

بیانیه بخشی از فعالان جنبش چپ ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

ما برای دست یابی به آزادی، برابری، رفاه و عدالت اجتماعی در جامعه ای انسانی مبارزه میکنیم.

روز جهانی کارگر در حالی فرا می رسد که سرمایه داری جهانی با بحران های متفاوت روبرو است. بحران هایی که ماهیت نظام سلطه و بهره کشی را بیش از هر زمانی مشخص میکند. اعتصابات و تظاهرات بزرگ در کشورهای پیشرفته سرمایه داری علیه دولت ها که گاه به قهرکارگران و توده های مردم تبدیل شده است واقعیتی است از بحران و شرایط موجود. این وضعیت در کشورهایی همچون آمریکا، فرانسه، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، انگلیس و یونان ضرورت های مبارزاتی را بیش از هر زمانی پیش روی طبقه کارگر و فرودستتان قرار داده است.

تمام دولتها و دستگاه سرکوب سرمایه و مالکیت خصوصی سنگر بندی مشخصی را در برابر طبقه کارگر و فرودستان ایجاد کرده اند. اما واقعیت این است که بحران کنونی نظام سرمایه داری گسترده تر و عمیق تر از آن است که سرمایه داران و دولتهای آنها قادر باشند به سادگی بر این بحران ساختاری پیروز شده و یا برای آن راه حلهائی بیابند. در ایران سال ۱۳۹۰ با تجمعات، اعتصابات و اعتراضات کارگری متعددی پشت سر گذاشته شد. کارگران بر خواسته های خود همچون دریافت حقوق پرداخت نشده، بیمه بیکاری، بیمه های اجتماعی و درمانی، لغو کارهای قراردادی یا موقت، امنیت شغلی و افزایش سطح دستمزدها مانند همیشه پای فشردند.

سالی که گذشت نشان داد که این دولت که با شعار مهرورزی وارد عرصه سیاست شد، چه ضربات سنگینی به طبقه کارگر در ایران وارد کرده است. طبقه کارگر نیز به درستی در مقابل این سیاستها موضع گیری کرده و با آگاهی و با طرح خواسته های حق طلبانه خود به مبارزه ادامه میدهد. در تمام این دوران کارگران نه تنها به مطالبات خود دست نیافتند بلکه با سرکوب شدید از طرف نظام حاکم مواجه شدند، که بازداشت دهها فعال کارگری هم چون: بهنام ابراهیم زاده، علیرضا اخوان، محمد جراحی، شاهرخ زمانی، رضا شهابی، ابراهیم مددی و پدram نصراللهی را میتوان نام برد.

کارگران ایران در هیچ دوره ای امنیت جانی، مالی و شغلی نداشتند. نه تنها در دولت احمدی نژاد بلکه از همان ابتدای استقرار جمهوری اسلامی و با شعارهای عوام فریبانه "حمایت از مستضعفین و استکبارستیزی" به شدید ترین شکلی سرکوب شدند. علاوه بر خفقان شدید، ایجاد جو و فضای پلیسی و اعمال شیوه های کنترل از طریق نیروهای امنیتی، حراست، شوراهای اسلامی کار و عواملش در خانه

کارگرسرکوب دائمی و سازمان یافته ای را علیه کارگران بوجود آورد.

سرکوب کارگران در ایران سابقه ای فراتر از دولت احمدی نژاد دارد، در دوران اصلاح طلبی و دمکراسی دینی اصلاح طلبان نیز شاهد سرکوب و کشتار عظیم کارگران در خاتون آباد (شهر بابک) بودیم در آن زمان هم، دولت حاکم برای خنثی کردن اعتراضات کارگران با هلی کوپتر، نفربر و افراد مسلح یگان ویژه به کارگران و خانواده آنها حمله کرد، که در نتیجه ۵ نفر کشته (۴ کارگر و یک دانش آموز) و بیش از سیصد نفر را مجروح کردند. این تنها یک نمونه از سرکوبهای وحشیانه کارگران و خانواده آنها است.

از نظر اقتصادی و شرایط زندگی، طرح هدفمند سازی یارانه ها که باعث افزایش قیمتها و گرانی شدید کالاهای اولیه سبد خانوار شده عملاً زندگی روزانه کارگران و خانواده های شان را مختل کرده، سلامت شان را به خطر انداخته و امید به آینده را از فرزندان شان ربوده است.

در کشوری که دستگاه عریض و طویل اداری به نام سازمان تامین اجتماعی و وزارت رفاه، عمری حتی بیشتر از عمر انقلاب ۵۷ دارند، بخش عظیمی از کارگران بدون برخورداری از بیمه های خدمات درمانی و بهداشتی، تصادفات و بازنشستگی روزگار می گذرانند. در این میان، اداره کار با نادیده گرفتن این فشارها، سقف دستمزد را سه میلیون و هشتصد هزار ریال تعیین کرده است، حداقلی که در اکثر موارد پرداخت نمیشود. میزان سطح دستمزدی که به بردگی کارگران مشروعیت بخشیده و رسماً و بر اساس همه ارزیابی های اقتصادی، به مراتب پایین تر از خط فقر قرار دارد.

در سالهای اخیر، فقر و تهیدستی خانواده های کارگران باعث افزایش تعداد بیشتر کودکان کار شده است. کودکانی که برای کمک به خانواده و بدست آوردن لقمه نانی مجبور شدند درس و مدرسه را رها کنند و دوران کودکی خود را در مناسبات نا برابر و رنج آور کار و سرمایه سر کنند.

ما بر این باوریم که اقتصاد و مناسبات سرمایه داری جهانی با بحرانی عمیق روبرو است و سیاستهای دولتها در مورد برنامه های ریاضتی مانند طرح هدفمند سازی یارانه ها فشار چند برابری است بر زندگی کارگران و مزدگیران. دولت باید ضمن افزایش حداقل دستمزد کارگران متناسب با نرخ تورم، تامین بیمه های اجتماعی و درمانی، شرایط مناسب کاری را در واحدها تولیدی فراهم سازد. از سوی دیگر کارگران باید برای نظارت مستقیم در مسایل مربوط به کار به مبارزه خود ادامه دهند و این امر تنها با ایجاد تشکلهای مستقل کارگری امکان پذیر است. تنها از طریق چنین کاری است که نظارت و کنترل کارگران بر سرنوشت اقتصادی شان معنای واقعی پیدا می کند.

ما بر این باوریم که جامعه ایران آستان تحولاتی جدی است و استبداد حاکم بر این کشور که محصول سرمایه داری و ارتجاع مذهبی است، بحرانهای اقتصادی و سیاسی شکاف عمیقی در رده های بالای حکومتی ایجاد کرده است که از یک سو باعث افزایش فقر و فلاکت و از سوی دیگر موجب سرکوب گسترده کارگران و مردم زحمتکش شده است. از این رو اتحاد طبقات فرودست جامعه و به خصوص کارگران و نیروهای مدافع آنها در مقابل سرمایه و بنیادگرایی مذهبی ضرورتی است سرنوشت ساز. نظام موجود تنها و تنها از طریق کنش نیروهای مادی تاثیر گذار قابل تغییر است.

از سوی دیگر در این شرایط اقتصادی، مردم ما با مسئله جنگ و تهدیدهای طرف های متخاصم روبرو هستند. دولت سرمایه داری ایران از یکسو، و سیاستهای سلطه گرایانه و جنگ طلبانه امپریالیستها مانند اسرائیل از سوی دیگر، احتمال بروز جنگ بین دولت های سرمایه داری را در آستانه روز جهانی کارگر برجسته کرده است. کارگران و زحمتکشان ایران نه تنها در این جنگ هیچگونه منفعی ندارند بلکه، جنگ غیر از ویرانی، خانه خرابی، بیکاری، فقر و فلاکت هیچ چیزی برای آنها نخواهد داشت. از این رو، در صورت بروز جنگ احتمالی ما نه در جبهه امپریالیستها و نه در جبهه دولت سرمایه داری اسلامی ایران قرار میگیریم. بلکه خواهان ایجاد جبهه سومیه علیه هر دو نظام سرمایه داری هستیم. جبهه سومیه که در مرکز آن طبقه کارگر قرار خواهد داشت.

ما امضا کنندگان زیر به عنوان بخشی از فعالان جنبش چپ ایران، ضمن حمایت همه جانبه از تمامی شیوه های مبارزاتی کارگران ایران علیه نظام سرمایه داری، خواستار حقوق انسانی همچون "آزادی های اجتماعی، آزادی حق بیان و قلم، حق تشکل و اعتصاب؛ بیمه بیکاری، بیمه های اجتماعی، بازنشستگی، حق مرخصی با پرداخت دستمزد و حق اشتغال رسمی، لغو قوانین حقوقی و جزایی ضد کارگری موجود؛ آموزش و پرورش رایگان و همگانی؛ برابری کامل حقوق زنان و مردان در کلیه سطوح؛ آزادی و احترام به حقوق انسانی برای کارگران و همه توده های زحمتکش هستیم. همچنین حمایت همه جانبه خود را از مبارزات کارگران جهان

اعلام داشته و خواهان برپایی نظامی نوین و سوسیالیستی برای رسیدن به آزادی، برابری، رفاه و عدالت اجتماعی در جامعه ای انسانی هستیم و برای آن مبارزه می کنیم

مرجان افتخاری

مریم افشاری

امیر امیر قلی

مهناز باقری

آمنه بامدی

بهداد بردبار

علیرضا بیانی

بهروز جاوید تهرانی

آیدین حلال زاده

بهنام دارایی زاده

سیروس دستاران

مهسا درویش

کیانوش دل زنده

مازیار رازی

بهرام رحمانی

مصطفی رحمانی

مینا زاده

شکوه روشن

سارا رضانی

سمین روزگرد

مریم شانسی

بهرام شجاعی

فواد شمس

سوسن شهبازی

مصی شیروانی

آبتین صبی

شاهرخ صلح جو

علی عجمی

پویا عزیزی

محمد غزنویان

پری ناز قدمی

اردوان کریمی

امید کشتکار

صادق گیگلو

آزاد کوردی

الناز کیان

امیر مهرزاد

سوسن محمد خانی غیاثوند

امیر محسن محمدی

شایان نیکو منش

نیما نصر

هنگامه هویدا

بامداد یآوری